

در این آموزش می‌خواهیم مکالمه انگلیسی در مورد خانواده یاد بگیریم. سلام به همراهان گروه آموزشی راسا و علاقه‌مندان به یادگیری زبان انگلیسی و مخصوصاً دوستانی که به آموزشهای "مکالمات روزمره" علاقه دارند.

مکالمه انگلیسی در مورد خانواده

How many people are there in your family?

There are 5 people in my family: my father, mother, brother, sister, and me.

چند نفر در خانواده شما هست؟

۵ نفر در خانواده ما هست. پدرم، مادرم، برادر، خواهر و خودم.

Does your family live in a house or an apartment?

We live in a house in the countryside.

آیا خانواده‌ها در خانه زندگی میکنند یا آپارتمان؟

ما در حومه شهر در خانه زندگی میکنیم.

What does your father do?

My father is a doctor. He works at the local hospital.

پدرت چیکار میکنه؟

پدرم دکتر هست. او در بیمارستان محلی کار میکنه.

How old is your mother?

She is 40 years old, 1 year younger than my father.

مادرت چند سالش هست؟ (حالا هر شخص دیگهای رو میتونید بگید)

او ۴۰ سالهست، یک سال از پدرم جوانتر است.

Do you have any siblings? What's his/her name?

Yes, I do. I have 1 elder brother, David, and 1 younger sister, Mary.

هیچ خواهر یا برادری داری؟ اسمش چیه؟

بله دارم. یک برادر بزرگ (خان داداش)، دوید و ۱ خواهر کوچکتر مری.

ادامه مکالمه انگلیسی در مورد خانواده

Are you the oldest amongst your brothers and sisters?

No, I'm not. I'm the second child in my family.

آیا تو بزرگترین هستی میان خواهرها و برادرها؟

نه نیستم. من دومی هستی.

What does your mother/father like?

My father likes playing football and my mother likes cooking.

بابا و مامانت چی دوست دارند؟

پدرم فوتبال بازی کردن دوست داره و مادرم آشپزی دوست داره.

Do your parents let you stay out late?

Of course not. They always ask me to get home before 10 pm each night.

آیا والدینت اجازه میدن تو تا دیروقت بیرون بمونی؟

البته که نه! آنها همیشه از من درخواست دارن که قبل ساعت ۱۰ هر شب خانه باشم.

Do you stay with your parents?

Right now, no, but I used to.

آیا تو با والدینت هستی؟

الان نه، ولی قبلا بودم.

Does your family usually have dinner together?

Yes, we do. My mom always prepares delicious meals for us.

آیا خانوادهت معمولا باهم شام میخورید؟

بله. مامانم همیشه وعده غذایی خوشمزه برای ما آماده میکنه.

عبارات رایج و پرکاربرد در مورد خانواده در انگلیسی

****1. Talking about Family Members:****

1. صحبت در مورد اعضای خانواده

- *My immediate family includes my parents, siblings, and me.*

- خانوادهام شامل والدین، خواهران و برادران من است.

- *I have a large extended family with lots of aunts, uncles, and cousins.*

- یک خانواده گسترده دارم با بسیاری از عموها، خالهها و پسرخالهها.

- *She's my distant relative; we're related, but not closely.*

- او خویشاوند دور من است. ما با هم مرتبط هستیم، اما نه از نزدیک.

2. **Describing Family Relationships:**

۲. توصیف روابط خانوادگی در انگلیسی

- *We're very close-knit; we share everything with each other.*

- ما خیلی نزدیک هستیم؛ همه چیز را با یکدیگر به اشتراک میگذاریم.

- *My sister and I get along like a house on fire. (meaning: very well)*

- خواهر من و من مانند آتش در خانه با هم هستیم. (معنی: خیلی خوب)
- *He's my stepbrother; we share a parent but not both.*
- او برادر ناتنی من است؛ یکی از والدین را با هم به اشتراک میگذاریم اما هر دو نه.

3. ****Family Activities:****

۳. فعالیت خانوادگی در انگلیسی:

- *We often gather for Sunday dinners to catch up on each other's lives.*
- ما اغلب برای شامهای یکشنبه جمع میشویم تا از زندگی همدیگر باخبر شویم.
- *Family game nights are a regular occurrence in our household.*
- شبهای بازی خانوادگی به طور منظم در خانه ما اتفاق میافتد.
- *Every holiday, we have a tradition of exchanging gifts and sharing a festive meal.*
- در هر تعطیلات، ما سنتی داریم که هدایا را تبادل کرده و یک وعده غذای جشنی با هم داشته باشیم.

4. ****Expressing Concern or Well-Wishes:****

۴. ابراز نگرانی یا آرزوهای خوب در خانواده:

- *I hope everything is going well with your family.*
- امیدوارم همه چیز با خانوادهات خوب باشد.
- *My thoughts are with you and your family during this difficult time.*
- در این زمان دشوار، فکرمای من با شما و خانوادهتان هست.
- *Wishing your family a joyful holiday season and a Happy New Year!*
- به خانواده شما فصل تعطیلات شادی و سال جدید مبارک!

5. ****Discussing Family Events:****

۵. بحث در مورد رویدادهای خانوادگی:

- *We're planning a family reunion next summer; it's been years since we all got together.*
- ما یک دیدار خانوادگی در تابستان آینده برنامه ریزی کردیم؛ سالهاست که همه ما با هم نیستیم.
- *My niece's graduation ceremony is coming up, and we're so proud of her.*
- مراسم فارغالتحصیلی دختر برادر / خواهرم به زودی خواهد بود و ما بسیار از او مفتخریم.
- *We're hosting a family barbecue next weekend; I hope you can make it.*
- ما یک گردهمایی خانوادگی در آینده هفته داریم؛ امیدوارم بتوانید شرکت کنید.

6. ****Sharing Family Stories:****

۶. به اشتراک گذاری داستان های خانوادگی:

- *Let me tell you about a funny story from our last family vacation.*
- بذار بهتون یک داستان خندهدار از آخرین تعطیلات خانوادگی بگم.
- *Growing up, my grandparents used to share fascinating stories from their youth.*
- وقتی کودک بودیم، پدر بزرگ و مادر بزرگمان داستانهای جذاب از جوانیشان را به اشتراک می گذاشتند.
- *Family history is important to me; I love hearing about our ancestors.*
- تاریخچه خانوادگی برای من مهم است؛ دوست دارم داستانهای نسلهای گذشتهمان را بشنوم.

7. ****Expressing Gratitude:****

۷. ابراز قدردانی:

- *I'm so grateful for the support of my family; they've always been there for me.*
- برای حمایت خانوادهم از من واقعاً سپاسگزارم؛ همیشه در کنارم بوده اند.
- *Thank you for inviting me to be part of your family celebration.*
- ازتون بابت دعوت به جشن خانوادگیتون ممنونم.
- *I appreciate the love and understanding my family provides.*
- از محبت و درک خانوادهم سپاسگزارم.

8. ****Offering Assistance:****

۸. ارائه کمک در خانواده:

- *If you ever need help, don't hesitate to reach out; family looks out for each other.*
- اگر هر وقت نیاز به کمک دارید، تردید نکنید؛ خانواده همیشه برای یکدیگر هستند.
- *Let me know if there's anything I can do to support you and your family.*
- به من بگو اگر چیزی هست که من میتوانم برای حمایت از شما و خانوادهتان انجام دهم.
- *We're here for you, no matter what. Family comes first.*
- ما اینجا هستیم، هر چیزی که بخواهید. خانواده در اولویت است.

9. ****Talking About Traditions:****

۹. صحبت از سنت ها در خانواده:

- *Our family has a tradition of going camping every summer; it's something we all look forward to.*
- خانواده ما سنت دارد که هر تابستان به کمپینگ برویم؛ این یک چیزی است که همه با شوق منتظرش

- During the holidays, we have a tradition of baking cookies together.
- در تعطیلات، سنت داریم که با هم کلوچهها را پخته و به اشتراک بگذاریم.
- Sunday morning brunch is a cherished family tradition for us.
- صبحانه روز یکشنبه یک سنت خانوادگی محبوب برای ماست.

10. ****Discussing Family Values:****

۰.ابحث درباره ارزش های خانواده:

- Family values are important to me; we prioritize honesty, respect, and kindness.
- ارزشهای خانوادگی برای من مهم هستند؛ ما بر گزاری صداقت، احترام و مهربانی تأکید میکنیم.
- We believe in fostering a sense of responsibility and independence in our family.
- ما باور داریم که باید احساس مسئولیت و استقلال را در خانواده تربیت کنیم.
- Teaching our children the importance of empathy is a fundamental family value.
- آموزش به فرزندانمان اهمیت همدلی یک ارزش بنیادین خانوادگی است.

کلمات مربوط به خانواده در انگلیسی

در این قسمت در مورد افراد در خانواده در انگلیسی صحبت میکنیم. اول در مورد افراد خانواده در چه یک و درجه دوم در انگلیسی را یاد میگیریم.

خانواده درجه یک You شما(خودتان)	خانواده درجه دو Paternal uncle عمو Maternal uncle دایی
husband شوهر	Paternal aunt عمه Maternal aunt خاله
wife همسر	Cousins پسر عمو/داییدختر عمو/دایی
Parents Dad /father پدر /Mam/ mother والدین مامان/ مادر	Nephews پسر خواهر یا برادر
brothers برادرها	Nieces دختر خواهر یا برادر
Sisters خواهرها	Grandparents پدربزرگ و مادربزرگ
your children فرزندان	Grandchildren نوه ها

اگر والدین از هم جدا شده باشند و دوباره ازدواج کرده باشند چطوری این موارد رو توی انگلیسی بگیم؟

جملات خانواده آگه والدین از هم جدا شده باشند در انگلیسی

step mother

مادر ناتنی

Half sister

خواهر ناتنی (از مادر یا پدر دیگری باشد)

half brother

برادر ناتنی (از مادر یا پدر دیگری باشد)

Stepfather

پدر ناتنی

Stepsister

ناخواهری (کلا از مادر و پدر دیگری هست)

Stepbrother

نا برادری (کلا از مادر و پدر دیگری هست)

وقتی ازدواج کرده باشید افراد خانواده در چه یک چطوری توی انگلیسی گفته میشه؟

خانواده درجه یک در صورت تاهل

Spouse

همسر

Children

فرزندان

Husband

شوهر

Wife زن

خانواده درجه دو *EXTENDED FAMILY*

father-in-law

پدر شوهر / پدر زن

mother-in-law

مادر شوهر / مادر زن

sister-in-law

خواهر شوهر / شوهر خواهر / زن داداش / جاری

brother-in-law

برادر شوهر / برادر زن / باجناب

عبارت کاربردی در مورد خانواده

معنی و کاربرد این عبارت ها در انگلیسی شبيه کسی رفتار کردن.	عبارت انگلیسی مخصوص خانواده <i>take after</i> <i>My sister takes after my father in the way he waves hair hands around when he talks</i>
شبيه کسی بودن (از نظر فیزیکی)	: <i>look like</i> <i>She looks like my mother</i>
هنگامی که یک توانایی در بین تمام اعضای خانواده مشترک باشد مانند آشپزی و یا حتی ویژگی های خاص ظاهری داشته باشند: مانند موی فر	: <i>run in the family</i> <i>Thick wavy hair runs in my family</i>
گاهی بین پدر و پسر در خانواده شباهت های زیادی است به طور مثال هر دو از گربه می ترسند در این مواقع از این اصطلاح استفاده می شود.	<i>Like father, like son</i> <i>she is afraid of cats like her dad, Like father, like son</i>
هنگامی که تمام اعضای خانواده یک ایده و سلیقه داشته باشند می توانیم از این اصطلاح استفاده کنیم.	: <i>have something in common</i> <i>My sister and brother, grandma and I have many things in common. We enjoy go to the cinema</i>
زمانی که نام یکی از اعضای خانواده شبیه بزرگ خانواده باشد.	: <i>be named after</i> <i>I was named after my grandfather</i>
با یکی از اعضای خانواده ارتباط بهتری دارید.	: <i>get along with</i> <i>she gets along very well with her younger brother</i>
این اصطلاح زمانی به کار می رود که رابطه عمیقی ایجاد شده و از بین نمی رود. مانند رابطه پدر و مادری	: <i>be close to</i> <i>I'm very close to my father and sister</i>
نحوه صحبت کردن درباره خانواده در انگلیسی به شکلی است که اگر بخواهید از یکی از اعضای خانواده تعریف کنید باید از این عبارت استفاده کنید.	: <i>look up to</i> <i>I've always looked up to my mother</i>
هنگامی که اعضای خانواده دور هم جمع می شوند از این عبارت در بیان این عمل استفاده می شود.	: <i>get together</i> <i>We get together every weekend to play ps4</i>
هنگامی که بچه دار می شوید از این اصطلاح باید برای بیان آن استفاده کنید.	: <i>start a family</i> <i>We start a family whit my daughter.</i>

مکالمه انگلیسی در مورد خانواده قسمت دوم:

Emma: Hey, Mark! How's everything with your family?

Mark: Hi, Emma! Everyone's doing well, thanks for asking. How about yours?

Emma: We're good too. Dad's been busy with work, but Mom finally convinced him to take a short vacation next month.

Mark: That sounds great! Where are they planning to go?

Emma: They're thinking of visiting the mountains. Mom wants to enjoy the scenery, and Dad is excited about the hiking trails.

Mark: Nice choice! Our family used to go on camping trips when we were kids. Those are some of my favorite memories.

Emma: That sounds lovely. Do you still get together with your family often?

Mark: Yeah, we try to meet up at least once a month. It's not always easy with everyone's schedules, but we make it work. How about you?

Emma: We have a family dinner every Sunday. It's like a tradition now. We take turns hosting, and it's a nice way to catch up.

مکالمه انگلیسی خانواده

Mark: That's a great idea. Speaking of traditions, any special family traditions during the holidays?

Emma: Oh, plenty! Christmas Eve is a big deal for us. We exchange gifts, have a big feast, and then play board games until late at night.

Mark: Sounds like a blast! We do something similar on Thanksgiving. It's all about gratitude, good food, and spending quality time together.

Emma: Family traditions are so important. They create a strong bond and a sense of belonging.

Mark: Absolutely. By the way, how's your sister doing?

Emma: Jenny? She's doing well. Busy with college, but she's managing. Mom and Dad miss her a lot though.

Mark: It must be different with her away. How about you? Do you miss having her around?

Emma: Definitely. It's quieter without her, and the house feels a bit empty. But we catch up regularly through video calls, so that helps.

Mark: Technology does make staying connected easier. Well, I'm glad to hear everyone is doing well. Give my regards to your family!

Emma: Will do! And send my regards to yours too, Mark. Let's plan a get-together soon.

Mark: Absolutely, I'd love that. Take care, Emma!

ترجمه مکالمه انگلیسی در مورد خانواده قسمت دوم:

Emma: سلام، مارک! حال هممتون چطوره؟

Mark: سلام، اما! همه خوبن، مرسی که پرسیدی. حال تون چطوره؟

Emma: ما هم خوبیم. پدر خیلی مشغول کار بوده، ولی مادر بالاخره بهش موافق کرد که ماه بعد یه تعطیلات کوتاه بره.

Mark: خیلی عالی! دارند به کجا فکر میکنند بروند؟

Emma: فکر میکنند کوهستان برن. مادر دوست داره از مناظر لذت ببره، و پدر هم خوشحاله که به مسیرهای پیادهروی علاقه داره.

Mark: انتخاب خوبی! خانواده ما وقتی کودک بودیم، عادت داشتیم که سفرهای کمپینگ بریم. اون لحظات یکی از خاطرات مورد علاقه‌امند.

Emma: خیلی خوبه. آیا هنوز هم خودتون رو خانواده برنامه ریزی میکنید؟

Mark: بله، سعی میکنیم حداقل یک بار در ماه دیدار کنیم. هرکسی زمانبندیهای مختلفی داره، ولی ما سعی میکنیم که این کارو انجام بدیم. تو چطور؟

Emma: ما هر هفته یکبار شام خانوادگی داریم. انگار یه سنت شده. هرکس یک هفته میزبان میشه و این یک راه خوب برای در جریان قرار گرفتنه.

Mark: این ایده عالیه. صحبت از سنتها، آیا توی تعطیلات سنت خاصی دارید؟

Emma: اوه، خیلی. شب قبل از کریسمس برامون مهمه. هدیهها رو تبادل میکنیم، یک جشن بزرگ داریم و بعد از شام بازیهای تخته رو تا دیروقت انجام میدیم.

Mark: صدای خوشیه! ما هم توی سپاسگزاری، غذاهای خوب و گذراندن وقت با همین اهمیت روز عید شکل میدیم.

Emma: سنتهای خانوادگی خیلی مهمن. یک ارتباط قوی و احساس تعلق ایجاد میکنن.

Mark: کاملاً درسته. به هر حال، خواهرت چطوره؟

مکالمه انگلیسی خانواده

Emma: جنی؟ او خوبه. با دانشگاه خیلی مشغوله، ولی مدیریت میکنه. مامان و بابا خیلی از دیدنش محروم هستن.

Mark: با دور بودنش احتمالاً خیلی فرق میکنه. اما تو چطور؟ دلت میخواد که اطرافت هست؟

Emma: قطعاً. بدون وی دورتره و خونه کمی خلوت تره. ولی ما به انتظار مشتاقانه با تماسهای تصویری هم ارتباط داریم، که کمک میکنه.

Mark: تکنولوژی واقعاً ارتباط برقرار کردن رو آسونتر کرده. خوبه که همه خوبن. سلام به خانوادهها برسون.

Emma: حتماً! و سلام به خانوادهها از طرف من هم برسون. بزودی یک دیدار رو برنامه ریزی کنیم.

Mark: حتماً، خیلی دوست دارم. مراقب خودت باش، اِما!

Emma: ممنون، شما هم مراقب خودت باش. تا بعد، مارک!
اگه میخواین مکالمه انگلیسی خودتون ارتقا بدید پکیج مکالمه انگلیسی راسا زبان رو بهتون
پیشنهاد میدم از دستش ندید

پکیج مکالمه انگلیسی راسا زبان